۶۸۱۵ سال بیست و پنجم ■ یکشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۳ ■ ۱۵ محرم ۱۴۴۶ ■ قیمت در استان تهران و البرز ۷۰۰۰ تومان و دیگر استان‌های کشور ۵۰۰۰ تومان ■ ۲۰ صفحه

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

جام جم

ضمیمه «کلیک»

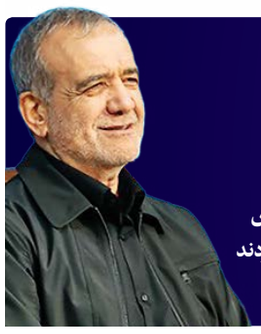

توافق برای رونق اقتصاد

رئیس جمهوری منتخب و فعالان بخش خصوصی بر ضرورت همگرایی تاکید کردند

۳

شمارش معکوس یمنی‌ها برای انتقام

صهیونیست‌ها در پناهگاه‌های خود از انتقام ارتش مردمی یمن در امان نخواهند ماند

۱۸

المپیک جای جانیان نیست

■ حضور رژیم صهیونیستی در پاریس غیرانسانی، غیرقانونی و غیرمنطقی است

۴

وفاق؛ نسخه پزشکیان

■ دیدارها و حضورهای اجتماعی و مردمی رئیس جمهور منتخب چه پیام و معنایی را به همراه دارد؟

■ رئیس‌جمهور منتخب به دنبال نمایش عملی اجماع و همبستگی ملی ذیل سیاست‌های کلی نظام بوده و می‌کوشد تا قرین و همنشین با دال عدالت، وحدت و اجماع را نیز به عنوان دال دیگر گفتمانی خود معنادهی و اجتماعی‌سازی کند. وی به دنبال افزایش سرمایه اجتماعی نظام بوده و آن را در گرو اجماع داخلی، به‌کارگیری ظرفیت‌های معطوف به خدمت و نه قدرت و در چارچوب ایجاد رضایتمندی جامعه می‌داند. دیدارهای وی نشان می‌دهد رئیس‌جمهور منتخب به دنبال تقویت تعلق خاطر جامعه به ارزش‌ها و باورهای مشترک و تعمیم آن در تمامی سطوح است.

۲

جنگ بیولوژیک علیه کودکان غزه

رژیم صهیونیستی به شکلی تعمدی ویروس فلج اطفال را در غزه گسترش می‌دهد

۱۶

حسینیه ایرانی برای قیام جهانی

در گفت‌وگو با تهیه‌کننده و مجری برنامه «حسینیه معلی» به ضرورت بازنمایی آیین‌های سوگواری حسینی در شهرهای مختلف کشور پرداخته‌ایم

۸

جدال نابرابر درآمد خانوار با اقساط مسکن

کمبود عرضه مسکن در کنار تقاضای بالا باعث افزایش قیمت شده است

۱۳

یادداشت

محمد قادری/عضو شورای سردبیری

زوال معنای «صلح» در المپیک پاریس

مسابقات المپیک پاریس درحالی از تاریخ پنجم مرداد آغاز می‌شود که تحولات بین‌المللی طی قریب یک سال گذشته به‌خصوص پس از عملیات طوفان‌الاقصی، شرایط ویژه‌ای بر مناسبات جهانی حاکم کرده است.

عملیات هفتم اکتبر و پس از آن، آغاز جنایات رژیم صهیونیستی در اراضی فلسطین اشغالی به‌ویژه در غزه، موجب انزجار افکارعمومی بین‌المللی نسبت به رژیم جعلی اسرائیل شد و همین امر مشروعیت ساختگی این رژیم را بیش از پیش نزد مردم جهان زیر سؤال برد.

تضعیف پایه‌های مشروعیت برساخته صهیونیست‌ها طی ۷۵ سال گذشته، موجب شکل‌گیری کارزارهای زیادی در مدت یک سال گذشته علیه این رژیم شد. یکی از این کارزارها که از ماه‌ها پیش آغاز و طی هفته‌های اخیر بر وسعت آن افزوده شده، کارزار اخراج صهیونیست‌ها از بازی‌های المپیک است.

در همین‌باره جمع زیادی از کاربران فضای مجازی با انتشار تصاویری در استوری اینستاگرام خود به پویش تحریم رژیم جعلی اسرائیل در المپیک پیوسته‌اند. چهار سازمان حقوقی عربی و بین‌المللی هم یک ماه پیش با برگزاری نشستی، خواستار جلوگیری از مشارکت رژیم صهیونیستی در مسابقات المپیک تابستانی پاریس شدند.

به‌نظر می‌رسد درخواست فراگیر جهانی برای اخراج رژیم صهیونیستی، منطبق با فلسفه بازی‌های المپیک باشد. بنابر آنچه همواره به‌عنوان شعار نهاد المپیک مبنی بر «قرار دادن ورزش در خدمت شکوفایی هماهنگ نوع بشر، در ارتقای جامعه ایمن و علاقه‌مند به حفظ مقام انسان است» مطرح شده، شرکت رژیم جعلی اسرائیل در المپیک دقیقا می‌تواند خلاف این شعار تلقی شود.

گرچه نماد جنبش المپیک که پنج قاره جهان را دربر می‌گیرد، پنج حلقه درهم بافته است، حالا اما با این‌که پرداختن به ورزش، حقی انسانی است اما قرار است رژیمی در المپیک حضور یابد که فجایع انسانی می‌آفریند و به شدیدترین شکل ممکن، نسل‌کشی در سرزمین‌های اشغالی را دنبال می‌کند.

با وجود موضعگیری شدید افکار عمومی جهانی و موضعگیری چهره‌های سیاسی در کشورهای مختلف که حضور این رژیم در المپیک را محکوم کرده‌اند، شاهد هستیم که کمیته بین‌المللی المپیک هیچ اقدام عملی برای اخراج رژیم اسرائیل صورت نداده است.

بی‌تفاوتی این نهاد بین‌المللی به درخواست فراگیر تحریم تل‌آویو در المپیک، بار دیگر نشان می‌دهد که نهادهایی از این دست، درون‌مایه و باطنی کاملا سیاسی و در جهت منافع کشورهای سلطه‌گر دارند و هیچ‌گاه آن‌چنان که ادعا می‌کنند، دغدغه حقوق بشر نداشته و همواره دچار استانداردهای دوگانه با محوریت منافع حلقه‌های قدرت و ثروت جهانی بوده‌اند.

کمیته بین‌المللی المپیک در حالی نسبت به فجایع ارتکابی رژیم اسرائیل در غزه و در سایر نقاط اراضی اشغالی فاز بی‌تفاوتی برداشته که پیش از این و در زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین، تمام ورزشکاران روس را به دلیل آنچه نقض قوانین بشردوستانه عنوان شد، از حضور در مسابقات محروم کرد. هم‌زمان، فیفا و یوفا هم فوتبال روسیه را به حالت تعلیق درآوردند. با وجود این، همه نهادهای به‌ظاهر ورزشی اما در باطن سیاسی و ایدئولوژیک، تاکنون با در پیش گرفتن استانداردهای دوگانه، ورزش رژیم اسرائیل را به‌حالت تعلیق درنیاورده‌اند.

در همین راستا، رهبر انقلاب آذرماه سال گذشته در دیدار تعدادی از ورزشکاران، ضمن انتقاد از مواضع دوگانه نهادهای ورزشی و دروغ سیاسی نبودن این نهادها گفتند: «می‌گویند ورزش سیاسی نیست اما آن وقتی که احتیاج دارند که ورزش را سیاسی کنند به بدترین شکل ورزش را سیاسی می‌کنند. به یک بهانه‌ای یک کشور را از شرکت در همه آوردگاه‌های ورزشی بین‌المللی محروم می‌کنند. چرا؟ شما فلان جا جنگ کردید. اما همان‌ها ۵۰۰۰ کودک شهید را در غزه ندیده می‌گیرند، آنجا ورزش نباید سیاسی بشود؟ اینجا ورزش نباید سیاسی بشود اما آنجا به‌طور واضح سیاسی می‌شود، اشکالی هم ندارد. یک کشور را به بهانه جنگ از مسابقات جهانی محروم می‌کنند، یک کشور را، یک دولت را به‌کلی نادیده می‌گیرند.»

نکته اما اینجاست که اگر هدف بازی‌های المپیک از ابتدای تاسیس، ترویج صلح جهانی و احترام به کرامت انسانی تعیین شده، زمان آن رسیده تا برای رسیدن به این اهداف، عملا آستین‌ها بالا زده شوند و المپیک ۲۰۲۴ بدون حضور صهیونیست‌ها برگزار شود.

این درحالی است که برای فلسطینی‌هایی که تلاش می‌کنند از نسل‌کشی رژیم اسرائیل در غزه جان سالم به‌در ببرند، برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ با حضور ورزشکاران این رژیم، چیزی جز تاییدی تمام‌قد بر بی‌تفاوتی آشکار جهان به رنج آنها نخواهد بود.

میلیون‌ها کودک فلسطینی، معلول، یتیم، آواره و آسیب‌دیده به‌دلیل تجاوز رژیم اسرائیل حتی از مسابقات ورزشی جهانی که در فرانسه برگزار می‌شود، آگاه نخواهند بود که اگر نسل‌کشی صهیونیست‌ها نبود، آنها هم می‌توانستند در کمال صلح و آرامش به تماشای این رقابت‌ها بنشینند.

با این تفاسیر، بار دیگر باید بر این نکته تاکید کرد که نظام فکری ـ سیاسی غرب گرچه همواره با موج‌سواری بر موضوعات و مفاهیم حقوق بشری سعی کرده از گرده شهروندان جامعه جهانی سواری بگیرد و مشخصا طی ۷۵ سال گذشته و پس از تاسیس رژیم جعلی و نامیمون صهیونیستی، تلاش ویژه‌ای برای مقلوبه کردن روایت صحیح ماجرا و صلح‌طلب نشان دادن صهیونیست‌ها از خود بروز داده‌اند اما طوفان‌الاقصی تمام آن تصویرسازی‌های دستوری را به یک‌باره فروریخت و امروز بعید است که افکارعمومی جهانیان، تداوم حیات این رژیم و حضور اتباع آن را در میادین و آوردگاه‌های بین‌المللی ازجمله المپیک بپذیرند.

نگاه

مسعود رضایی/تحلیلگر مسائل سیاسی

گام محکم اول

ما به‌سرعت در حال دور شدن از روزهای رقابت و نزدیک‌شدن به روزهای آغاز به کار کابینه آقای دکتر مسعود پزشکیان هستیم. چشم‌ها به سوی برنده انتخابات دیروز و مسئول اول اجرایی فردای کشور دوخته شده است. همه منتظرند تا چند وچون دوره ریاست جمهوری پزشکیان را نه در حرف بلکه در عمل ببینند و لمس کنند.

مثلی هست که می‌گوید مشت نمونه خروار است. این مشت، چه‌بسا همین گفتارها و رفتارهای این روزهای آقای پزشکیان باشد که در مجموع باید از آن به نیکی یاد کرد. تأکید ایشان بر خط قرمز بودن قانون اساسی و سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری در روزهای بعد از انتخاب، نشان از اعتقاد راسخ وی به این اصول دارد و این همان است که می‌تواند محور اجماع و همدلی برای تمامی نیروهای سیاسی عاقل، متین و دلسوز باشد و از سوی دیگر، اصحاب جار وجنجال و هیاهو را از صحنه دور کند. از طرفی نگاهی به متن پاسخ آقای پزشکیان به پیام سیدحسن نصرا... به‌عنوان نخستین پاسخ وی به پیام‌های خارجی، عمق نگاه راهبردی ایشان را به مسائل منطقه‌ای و لزوم حمایت از مقاومت اسلامی در برابر صهیونیسم روشن می‌سازد. دیدگاه‌های ارائه‌شده توسط آقای پزشکیان در مورد روابط خارجی با شرق و غرب نیز در نوع خود قابل‌توجه بوده و توانسته است برخی نگرانی‌ها را در میان صاحب‌نظران مرتفع سازد. ملاقات ایشان با خانواده شخصیت‌های بزرگی مانند شهید رئیسی و شهید سلیمانی و تجلیل از تفکر و منش و روش آنها، جلوه دیگری از رفتارهای این روزهای آقای پزشکیان است که در خود، حاوی پیام‌های مهمی است. همچنین تأکید ایشان بر لزوم رعایت عدالت در ابعاد مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نیز درخور توجه و تقدیر است.

بدیهی است این موارد و نمونه‌های دیگر از این دست، می‌تواند تصویری کلی از آنچه در آینده به منصه ظهور خواهد رسید را در پیش روی افکارعمومی قرار دهد اما نکته مهم اینجاست که اصل ماجرا از آنجایی آغاز خواهد شد که آقای پزشکیان، سکان هدایت امور اجرایی را در دست گیرد. به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین مسأله‌ای که اینک با نگاه به آینده برای آقای پزشکیان مطرح است، انتخاب همکارانی است که در تمامی جهت‌گیری‌های اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رئیس قوه مجریه همسو و همدل و هم‌پیمان باشند. البته نباید از نظر دور داشت که گفتن و حتی تعهد سپردن در ابتدای راه، کار ساده‌ای است. مشکل از آنجا رخ می‌نماید که در میانه راه، کسانی تعهد پیشین را به دست فراموشی بسپارند و راه خویش را در پیش گیرند. پرواضح است که به لحاظ قانونی، حل این مشکل، ساده است اما آنچه در عمل می‌تواند به وقوع بپیوندد، به این سادگی نیست.

بنابراین گام اول را باید محکم و مطمئن برداشت. اعلام حمایت‌ها و خوش‌وبش‌ها و تعریف‌وتمجیدها، هیچ‌یک نباید موجب نادیده‌گرفتن دیگر مسائل و موضوعات مهم باشد. این به معنای قدرناشناسی زحمات و خدمات یاران و همراهان نیست اما باید برای همه روشن باشد که هیچ اصلی از اصول موردتأکید رئیس‌جمهور، قربانی رفاقت‌ها و حمایت‌ها نخواهد شد. اگر چشمداشت و سهم‌خواهی از سوی برخی یاران مشاهده شد، اگر رفتارهای غیرمتعارف از سوی برخی اطرافیان سر زد، اگر سخنان ناروا و ناصوابی بر زبان برخی دوستان جاری شد و اگر و اگر، مردمی که اینک آقای پزشکیان را رئیس‌جمهور خود می‌دانند، چشم به او دوخته‌اند تا در همین ابتدای مسیر این مسئولیت خطیر، نحوه واکنش ایشان را به این‌گونه مسائل مشاهده کنند.

آقای پزشکیان بی‌تردید از ظرفیت بسیار بالایی برای تقویت اجماع و همبستگی در اجتماع ما برخوردار است. قاطبه مردم، او را اینک همان‌گونه که خود بیان داشته، یک اصولگرای اصلاح‌طلب می‌شناسند. این وضعیت متعادل رئیس‌جمهور منتخب، یک فرصت گرانبها برای کشور ما محسوب می‌شود که در میانه این همه تلاطمات منطقه‌ای و بین‌المللی باید از این فرصت به‌خوبی بهره‌گرفت. این به شرطی است که آقای پزشکیان گام اول را محکم و متقن بردارد و سنگ اول دیوار دولت خود را به‌گونه‌ای کار گذارد که ثاثریا، مستحکم و استوار بالا رود. ان‌شاءا....

دیدگاه

محمدمهدی ایمانی‌پور/رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

ایران امروز و جهان فردا

برگزاری چهاردهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، مولد دیدگاه‌ها و نظرات گوناگونی از سوی رصدگران تحولات داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران شده است اما قدر متقین موضوعات مطرح شده، استواری نظام و ملت ایران در برگزاری یک انتخابات آزاد و ترسیم مسیری توسعه‌محور، آن هم در شرایط آشفته جهان کنونی یا همان جهان در حال گذار است. دکتر پزشکیان، رئیس جمهور منتخب کشورمان در یادداشت خود در روزنامه تهران‌تایمز، به نکته مهمی در حوزه دیپلماسی فرهنگی اشاره کرده است:

«به‌عنوان کشورهایی که از منابع فراوان و سنت‌های مشترک برخاسته از تعالیم صلح‌آمیز اسلامی برخوردارند، باید متحد شویم و به جای منطق قدرت، به قدرت منطق تکیه کنیم. با بهره‌گیری از ظرفیت هنجارسازی خود، می‌توانیم از طریق ترویج صلح، ایجاد محیطی آرام برای توسعه پایدار، تقویت گفت‌وگو و مقابله با اسلام‌هراسی نقش مهمی در نظم جهانی پساقطبی ایفا کنیم.»

در این خصوص سه نکته اساسی باید مورد توجه قرار گیرد:

نخست این‌که بستر جهانی و فرامتنی که حیات دولت چهاردهم در بطن آن تعریف می‌شود، در حال تغییر است. این دگردیسی و دگرگونی به‌خوبی از سوی نظام جمهوری اسلامی درک شده است. جهان چندقطبی و هم‌افزایی‌های خلاقانه و فرصت‌محور جای خود را به نظم سلطه‌محور غرب داده و مناسبات کلان نظام بین‌الملل را تغییر داده است. دیپلماسی دیگر محصور در مناسبات رسمی کشورها نبوده و انتقال پیام ملت‌ها و دولت‌ها به یکدیگر، از طریق ظرفیت‌ها و مجاری جدیدی صورت می‌گیرد. دال مرکزی نظم جدید جهانی، سلطه‌گریزی و مقابله جهانی با ظلم است. نفرت عمومی نهادینه‌شده علیه رژیم صهیونیستی در جریان جنگ غزه خود را در پنج قاره جهان نشان داده و حتی دولت‌های منفعل را وادار به کرنش در برابر مطالبات عظیم و عمیق مردمی ساخته است و خوشبختانه مواضع اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ادای وظایف دینی و انسانی، فرصت‌های بی‌شماری را فراهم کرده است که مهم‌ترین آنها تثبیت «قدرت منطق» کشور عزیزمان است.

نکته دوم به ترویج هدفمند اسلام‌هراسی از سوی جریان‌های معاند و مخالف آخرین دین آسمانی بازمی‌گردد. در این خصوص با شبکه امنیتی، رسانه‌ای و تبلیغاتی گسترده‌ای روبه‌رو هستیم که از یک‌سو مانع از روایتگری واقعی از ماهیت و متعلقات دین اسلام شده و از سوی دیگر درصدد القا و تحمیل روایتگری کاذب خود در افکار عمومی جهان است. امروز، زمان پس زدن این روایت‌های کاذب و تثبیت و تقویت روایت‌های صحیح از قرآن کریم و دین مبین اسلام است. این روند، به‌صورت خودکار شکل نمی‌گیرد و نیاز به تبیین، تصدیق و هم‌افزایی فرامرزی دارد. تاکید مکرر رهبر معظم و حکیم انقلاب اسلامی بر مقوله جهاد تبیین در سطح کلان و جهانی، برگرفته از همین حقیقت محض است که به‌نظر می‌رسد در ادبیات دولت چهاردهم تاکید و تکرار می‌شود.

نکته پایانی این‌که جمهوری اسلامی ایران یک مدل حکمرانی برآمده از گفتمان عمیق ایرانی اسلامی است. در اینجا ما از یک‌سو با «قدرت ذاتی» تمدن ایرانی ـ اسلامی و از سوی دیگر با «قدرت اکتسابی انقلاب اسلامی» مواجه هستیم. قدرت ذاتی ما در این روند، همان مذهب و تمدنی است که خود سلطه‌گریز بوده و صلابت در برابر ظلم را برای جهانیان تجویز می‌کند. قدرت اکتسابی نظام و ملت ایران نیز مرهون تکیه بر سنت‌ها و هنجارهای مشترک دینی و فطری و هدایت این ظرفیت‌های احصاء شده در مسیر گذار به نظم نوین جهانی است. بنابراین در اینجا ظرف و مظروف باید به‌صورت همزمان مورد توجه و مداقه قرار گیرد تا در نهایت ترکیب قدرت ذاتی و اکتسابی ما در این پیچ مهم تاریخی و جهانی به بهترین نحو ممکن تبلور پیدا کند. دیپلماسی فرهنگی نه به‌مثابه یک ابزار یا روش، بلکه به‌مثابه بستر انتقال و حامل اقتدار معنوی نظام، مهم‌ترین تأثیر را در خلق این منظومه کارآمد ایفا خواهد کرد و نقش سازنده ایران امروز را در ساخت جهان فردا در بستر تعاملات منطقه‌ای و جهانی، به‌خوبی نمایان خواهد ساخت. ان‌شاءا....